

لایحه شوراهاى حل اختلاف (مرحله سوم)

شماره مسلسل: ۱۴۰۲۰۶۲۹

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

باسمه تعالی

نظرات استدلالی شورای نگهبان

در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی

لایحه شوراهاى حل اختلاف
(مرحله سوم)

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

کد ترازش: ۱۴۰۲۰۶۲۹

تاریخ نظر شورای نگهبان: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷



پژوهشکده شورای نگهبان

لایحه شوراهاى حل اختلاف (مرحله سوم)

درباره‌ی مصوبه

برخی از مواد لایحه‌ی دو فوریتی شوراهاى حل اختلاف که در مرحله‌ی اول در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود، پس از بررسی در جلسات مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۸ و ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ شورای نگهبان، مغایر با شرع یا قانون اساسی تشخیص داده شد. مجلس در مرحله‌ی دوم و در راستای رفع ایرادات مذکور شورا، مصوبه‌ی اصلاحی که در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۳۱ به تصویب رسیده بود را به موجب نامه‌ی شماره ۳۵۴/۲۷۷۱۳ مورخ ۱۴۰۰/۴/۶ به شورای نگهبان ارسال کرد.

این شورا با بررسی مصوبه‌ی اعاده‌شده در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱۶، همچنان برخی از اشکالات سابق را باقی دانست و نظر خود در این خصوص را از طریق نامه‌ی شماره ۱۰۲/۲۶۸۳۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۲۲ به رئیس مجلس شورای اسلامی ابلاغ کرد.

سپس مجدداً قانون‌گذار در راستای تأمین نظر شورای نگهبان، اصلاحاتی را در تاریخ ۱۴۰۲/۳/۲ در مصوبه به عمل آورد و مصوبه‌ی مرحله‌ی سوم را به موجب نامه‌ی شماره ۳۵۴/۱۸۱۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۳/۸ ارسال کرد. شورای نگهبان بررسی مصوبه‌ی اعاده‌شده را در دستور جلسه‌ی مورخ ۱۴۰۲/۳/۲۴ قرار داد و همچنان برخی از مواد آن را واجد ابهام و اشکال دانست و نظر خود در این خصوص را در قالب نامه‌ی شماره ۱۰۲/۳۷۱۶۵ مورخ ۱۴۰۲/۳/۲۷ به رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

«نظرات شورای نگهبان در خصوص لایحه شوراهای حل اختلاف (مرحله سوم)»

ماده ۳-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، صدر ماده (۳) به شرح
زیر اصلاح می‌شود:]

حوزه فعالیت شوراها تابع حوزه قضایی بخش یا شهرستان مربوط است.

تبصره ۱- ...

▪ دیدگاه عدم ابهام

قانون‌گذار در صدر ماده (۳) پیشین، تعیین محدوده‌ی فعالیت جغرافیایی شوراها در هر حوزه‌ی قضایی را بر عهده‌ی رئیس همان حوزه‌ی قضایی دانسته بود. با اینکه ماده (۳) سابق مورد اشکال یا ابهام شورا قرار نگرفته بود، مجلس شورای اسلامی متناسب با تغییرات ماده (۱۱) مصوبه و تشکیل دادگاه صلح و تغییر مأموریت شوراهای حل اختلاف، حکم صدر ماده (۳) را نیز اصلاح کرده است. حکم جدید ماده (۳) مبنی بر تعیین حوزه‌ی فعالیت شوراهای حل اختلاف در بخش یا شهرستان، مغایرتی با قانون اساسی یا شرع ندارد.

▪ نظر شورای نگهبان

ماده (۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، ماده (۴) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]
قوه قضائیه مکلف است حداکثر ظرف یک سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، در هر حوزه قضایی، شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها را تحت مدیریت و نظارت رئیس آن حوزه قضایی به عنوان دادگاه صلح تعیین کند. ریاست دادگاه‌های صلح و شوراهای حل اختلاف استان بر عهده یکی از معاونان قضایی رئیس کل دادگستری استان و ریاست شوراهای حل اختلاف در حوزه

قضای شهرستان و بخش بر عهده رئیس حوزه قضایی مربوط یا یکی از قضات شاغل در آن حوزه قضایی است که با معرفی رئیس کل دادگستری استان و ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.

▪ دیدگاه مغایرت

حکم ماده (۴) پیشین، مورد اشکال یا ابهام شورا قرار نگرفته بود. اما مجلس شورای اسلامی متناسب با تغییر ماده (۱۱) مصوبه، این ماده را نیز اصلاح کرده است. اما حکم جدید ذیل این ماده مبنی بر انتخاب ریاست شوراهای حل اختلاف در حوزه قضایی شهرستان و بخش از میان یکی از قضات شاغل در آن حوزه قضایی و «با معرفی رئیس کل دادگستری استان» و ابلاغ رئیس قوه قضائیه، مغایر صلاحیت‌های مصرح رئیس قوه قضائیه در اصل (۱۵۸) قانون اساسی است؛ زیرا وفق بند (۳) اصل مذکور، عزل و نصب قضات و تعیین مشاغل آنها به صورت مطلق با رئیس قوه قضائیه است و محدود کردن این اختیار در خصوص انتصاب ریاست شوراهای حل اختلاف به «قضات معرفی شده از سوی رئیس کل دادگستری استان»، مغایر با قانون اساسی است. به عنوان مؤید استدلال فوق می‌توان به رویه‌ی شورا در بررسی ماده (۴) لایحه تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری^۱ اشاره کرد که شورا تقیید اختیار رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس دیوان را مغایر با اصل (۱۵۸) دانست.^۲ همچنین این شورا در بررسی حکم مشابه جزء (۱) بندهای (الف) و (ب) ماده

۱. ماده (۴) لایحه تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۵/۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴- قضات دیوان باید دارای ده سال سابقه کار قضایی باشند و به پیشنهاد رئیس دیوان با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند. در مورد قضات دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا در یکی از گرایش‌های رشته حقوق یا مدارک حوزوی معادل، داشتن پنج سال سابقه کار قضایی کافی است.

تبصره- ...»

۲. بند (۲) نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۳۲۱۳ مورخ ۱۳۹۰/۵/۲۵ شورای نگهبان: «۲- از آنجا که اختیارات رئیس قوه قضائیه در ماده (۴) محدود به پیشنهاد رئیس دیوان گردیده است، ماده مذکور از این حیث مغایر بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.»

(۲۲) طرح بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران^۱ نیز، حکم به مشورت رئیس قوه قضائیه با مقام دیگری بریا انتصاب قضات را واجد ابهام شمرد.^۲ البته اینکه گفته شود در بند (۳) اصل مذکور، اختیار رئیس قوه مقید به «قانون» شده است نیز اشکال فوق را رفع نمی‌کند؛ چراکه مقصود از آن بیان شرایط قانونی تصدی منصب قضاء است، نه اینکه قانون می‌تواند اختیار عزل و نصب قضات از سوی رئیس قوه را منوط به پیشنهاد یا معرفی از سوی مقام دیگری کند.

▪ دیدگاه عدم مغایرت

به موجب حکم بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، استخدام قضات و عزل و نصب آنها «طبق قانون» از وظایف رئیس قوه قضائیه است. بنابراین حکم قانون‌گذار در این ماده در خصوص انتصاب ریاست شوراهای حل اختلاف «با معرفی رئیس کل دادگستری استان»، مغایرتی با اصل مذکور ندارد و اختیار رئیس قوه به موجب این اصل، از ابتدا مقید به قانون وضع شده است.

▪ نظر شورای نگهبان

۱- در ماده (۴)، محدود کردن اختیار رئیس قوه قضائیه در عزل و نصب اشخاص مذکور به «معرفی رئیس کل دادگستری استان»، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.

۱. ماده (۲۲) طرح بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۲- به‌منظور رسیدگی و صدور احکام انتظامی نسبت به تخلفات «اشخاص تحت نظارت» یا مدیران، کارکنان و سهامداران مؤثر آنها از قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و دستورات بانک مرکزی، هیئت‌های بلوی و تجدیدنظر انتظامی به شرح زیر در بانک مرکزی تشکیل می‌شود:
الف- هیئت انتظامی بدوی متشکل از سه نفر به‌شرح زیر است:

۱- یک قاضی مسلط به قوانین و مقررات پولی و بانکی با حداقل ده سال تجربه در پرونده‌های اقتصادی و مالی که توسط رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس کل انتخاب می‌شود.

۲- ...

ب- هیئت انتظامی تجدیدنظر متشکل از سه نفر به‌شرح زیر است:

۱- یک قاضی مسلط به قوانین و مقررات پولی و بانکی با حداقل پانزده سال تجربه قضاوت در پرونده‌های اقتصادی و مالی که توسط رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس کل انتخاب می‌شود.

۲- ...»

۲. بند (۳-۱۷) نامه‌ی شماره ۱۰۲/۳۴۴۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۸ شورای نگهبان: «۳-۱۷- جزء (۱) بند (الف) و جزء (۱) بند (ب) (ب) به جهت مشخص نبودن تأثیر مشورت با رئیس کل، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.»

ماده ۵ مکرر -

[ماده (۵ مکرر) و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود]:
قوه قضائیه می‌تواند برای اجرای این قانون حداکثر ده هزار نفر نیروی انسانی لازم را ظرف پنج سال از میان اشخاص واجد شرایط استخدام از طریق آزمون عمومی و تخصصی به صورت پیمانی یا قرارداد کار معین به کارگیری نماید. کارکنان تمام وقت شورای حل اختلاف (اعم از اعضا یا سایر کارکنان) که تا تاریخ بیست و نهم اسفند ماه سال ۱۴۰۱، در شوراها مشغول به کار شده‌اند، در اولویت استخدام هستند، اولویت‌های استخدام بر اساس معیارهای توانمندی، سوابق همکاری، تخصص، مدرک تحصیلی و حسن رفتار، در آیین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد، تعیین می‌شود.
تبصره ۱- قوه قضائیه می‌تواند افرادی را که به موجب این قانون استخدام می‌شوند، همزمان در شعب دادگاه‌های صلح و همچنین شعب شوراها به جای کارکنان فعلی شوراها به کارگیری نمایند.
تبصره ۲- سوابق اشتغال در شورا به حداکثر سن قانونی اضافه می‌شود.
تبصره ۳- منابع مالی مورد نیاز برای استخدام موضوع این ماده، از محل اعتبارات مصوب مرکز و همچنین از محل درآمدهای اختصاصی موضوع ماده (۴۳) این قانون و افزایش درآمدهای حاصل از اجرای مواد (۱۱)، (۱۳) و (۲۳) این قانون و کاهش هزینه‌های ماده (۵) این قانون^۱ تأمین می‌شود.
تبصره ۴- دولت مکلف است شناسه استخدام اشخاص موضوع این ماده را در اختیار قوه قضائیه قرار دهد.

۱. ماده (۵) مصوبه‌ی حاضر: «ماده ۵- هر شعبه شورا دارای رئیس، یک نفر عضو اصلی و حسب مورد یک نفر

عضو علی‌البدل است که جلسات شورا با حضور دو نفر رسمیت می‌یابد.

تبصره ۱- ...»

تبصره ۵- از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، عضویت جدید در شوراهای حل اختلاف افتخاری، داوطلبانه و تبرعی بوده و هرگونه استخدام و به‌کارگیری اعضای جدید تحت هر عنوان در شوراهای پرداخت هرگونه بیمه برای آنها ممنوع است. مرکز می‌تواند صرفاً به تناسب فعالیت آنها از ایشان تقدیر به عمل آورد.

تبصره ۶- قوه قضائیه مجاز است از بازنشستگان دستگاه‌های اجرایی از جمله بازنشستگان قوه قضائیه به عنوان عضو، در شوراهای استفاده نماید.

▪ دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در مرحله‌ی نخست، حکم استخدام کارکنان شوراهای حل اختلاف را به لایحه‌ی تقدیمی دولت افزوده بود و محل جبران بار مالی تحمیل شده بر دولت را قید «در سقف اعتبارات مصوب» در تبصره (۲) سابق معرفی کرده بود. شورای نگهبان محل ذکر شده برای جبران بار مالی ناشی از استخدام را قابل قبول تشخیص نداد و حکم فوق را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی اعلام کرد. سپس در مرحله‌ی دوم، مجلس شورای اسلامی در راستای رفع اشکال فوق، درآمدهای اختصاصی ماده (۴۳) پیشین مصوبه و افزایش درآمدهای ناشی از اجرای مواد (۱۳) و (۲۳) سابق مصوبه را به عنوان منبع جدیدی برای جبران بار مالی مقرر کرد. اما با وجود اصلاحات صورت گرفته، همچنان اشکال سابق شورا به قوت خود باقی دانست؛ توضیح اینکه اعتبارات مذکور نمی‌توانست منبع جدید و پایدار برای جبران بار مالی تلقی شود. اکنون مصوبه‌ی مرحله‌ی سوم مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد؛ چرا که اولاً تکلیف قوه‌ی قضائیه در صدر این ماده به استخدام، محدود به «حداکثر ده هزار نفر نیروی انسانی» و در بازه‌ی زمانی پنج‌ساله (به طور متوسط سالیانه دو هزار نفر) شده است. ثانیاً به موجب تبصره (۳) ماده (۵) مکرر، منابع مالی مورد نیاز برای استخدام حداکثر ده هزار نفر، از محل «اعتبارات مصوب مرکز» خواهد بود و بررسی اجمالی بودجه‌ی سالیانه‌ی شوراهای حل اختلاف گویای آن است که این میزان بودجه تکافی نسبی جبران هزینه‌های استخدام این افراد را خواهد داشت. ثالثاً اصلاحات صورت گرفته در مواد مختلف مصوبه به نحوی بوده است که منجر به کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدهای شورای حل اختلاف و تأمین بودجه‌ی لازم برای استخدام نیروی انسانی مذکور خواهد بود؛ توضیح اینکه به موجب ماده (۱۱)

اصلاحی، دادگاه صلح از میان ظرفیت‌های فعلی محاکم دادگستری تشکیل خواهد شد و صلاحیت‌های سابق شورای حل اختلاف به دادگاه صلح منتقل شده است و وظیفه‌ی شورا محدود به ایجاد صلح و سازش میان اصحاب دعوا یا شکایت خواهد بود. همچنین به موجب ماده (۵) مصوبه‌ی حاضر نیز رسمیت جلسات شورا از سه عضو (به موجب ماده (۳) قانون فعلی)^۱ به حضور دو عضو کاهش پیدا کرده است و این نیز به صرفه‌جویی منابع کمک می‌کند. ضمن اینکه به موجب تبصره (۱) ماده (۵) مکرر) کارکنان مستخدم شوراهای حل اختلاف می‌توانند در دادگاه صلح نیز به‌کارگیری شوند تا با مدیریت نیروی انسانی هزینه‌های جاری قوه‌ی قضائیه نیز کاهش یابد. بنابراین با توجه به تغییرات مصوبه، اشکال پیشین شورا در مورد مغایرت ماده (۵) مکرر) با اصل (۷۵) قانون اساسی رفع شده است.

■ دیدگاه ابهام

به موجب حکم صدر این ماده، قوه‌ی قضائیه مجاز است برای اجرای این مصوبه حداکثر ده هزار نفر نیروی انسانی لازم را از میان اشخاص واجد شرایط استخدام از طریق آزمون عمومی و تخصصی به‌کارگیری نماید. کارکنان تمام وقت شورای حل اختلاف، «در اولویت استخدام» هستند، «اولویت‌های استخدام» بر اساس معیارهای توانمندی، سوابق همکاری، تخصص، مدرک تحصیلی و حسن رفتار، در آیین‌نامه‌ی مصوب رئیس قوه‌ی قضائیه تعیین می‌شود. عبارات «در اولویت استخدام» و «اولویت‌های استخدام» واجد ابهام است؛ توضیح اینکه روشن نیست مقصود قانون‌گذار از عبارت «در اولویت استخدام»، مقید به شرایط مساوی است (یعنی در حالتی که امتیاز عضو شورا با دیگر داوطلبان آزمون مساوی باشد، اولویت با عضو شورا است) یا اطلاق دارد؛ چه اینکه اگر حکم مذکور اطلاق داشته باشد از حیث تبعیض ناروا مغایر با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی خواهد بود. همچنین مقصود قانون‌گذار از ذکر عبارت «اولویت‌های استخدام» در کنار حکم «در اولویت استخدام بودن اعضای شورا»، روشن

۱. ماده (۳) قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۶ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- هر شورا دارای رئیس، دو نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی‌البدل است و در صورت نیاز می‌تواند برای انجام وظایف خود دارای مسئول دفتر باشد که توسط رئیس حوزه قضایی مربوط پیشنهاد و ابلاغ آن از سوی رئیس کل دادگستری استان یا معاون ذی‌ربط وی صادر می‌شود.»

نیست؛ چه اینکه روشن نیست قانون‌گذار در مقام تبیین مؤلفه‌های اولویت و برتری در آزمون برای همه‌ی داوطلبان است یا مقصود وجه اولویت برای اعضای فعلی شوراهاست.

▪ دیدگاه عدم ابهام

حکم صدر ماده‌ی حاضر در خصوص استخدام نیروی انسانی و اولویت دادن به اعضای فعلی شورا، فاقد هرگونه ابهام است؛ توضیح آنکه قانون‌گذار در جهت رعایت عدالت در استخدام نیروی انسانی، اولاً لزوم برگزاری آزمون عمومی و تخصصی از میان اعضای فعلی شوراهای دیگر داوطلبان را مقرر کرده است. ثانیاً در راستای انتخاب عادلانه در میان افراد قبول‌شده در آزمون، مؤلفه‌های مختلفی همچون توانمندی و مدرک تحصیلی را ذکر کرده است (چرا که حتی در میان اعضای شورا نیز ممکن است افراد دارای سابقه‌ی یکسان باشند و بدیهی است تنها ملاک برای انتخاب نهایی سابقه نیست و دیگر مؤلفه‌های مذکور نیز باید ارزیابی شود). ثالثاً سابقه‌ی اعضای فعلی شورا را تنها عامل پذیرش نهایی قرار نداده است؛ بلکه تنها بخشی از نمره‌ی نهایی را از طریق عنصر سوابق همکاری لحاظ کرده است. رابعاً تفصیل جزئیات ملاک انتخاب عادلانه‌ی افراد را نیز به رئیس قوه‌ی قضائیه به عنوان بالاترین مقام قضایی کشور سپرده است. بنابراین حکم ماده (۵ مکرر) در خصوص مؤلفه‌های اولویت در آزمون فاقد ابهام است.

▪ توضیح تذکر

به موجب حکم تبصره (۴) این ماده، از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این مصوبه عضویت جدید در شوراهای حل اختلاف افتخاری، داوطلبانه و تبرعی بوده و هرگونه استخدام و به‌کارگیری اعضای جدید تحت هر عنوان در شوراهای پرداخت هرگونه «بیمه» برای آنها ممنوع است. شایسته است عبارت «بیمه» به «حق بیمه» اصلاح شود؛ چرا که مطابق قوانین استخدامی، کارفرما در خصوص کارکنان خود ملزم به پرداخت «حق بیمه» است نه «بیمه». ناگفته نماند تذکر مرحله‌ی قبل شورا در خصوص اشکال نگارشی «اولویت» نیز در این مرحله اعمال شده است.

▪ نظر شورای نگهبان

ماده (۵) مکرر، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تذکر: ۱- در ماده (۵) مکرر، در تبصره (۳)، واژه «بیمه» به عبارت «حق بیمه» اصلاح شود.

ماده ۶-

اعضای شورا باید دارای شرایط زیر باشند:

۱- متدین به دین مبین اسلام و مذهب رسمی کشور
[در تبصره بند (۱) ماده (۶) واژه «طرفین» به عبارت «طرفین یا اطراف»
اصلاح می‌شود.]

تبصره- در مواردی که کلیه طرفین یا اطراف دعوی از پیروان سایر
مذاهب مصرح در اصل دوازدهم (۱۲) قانون اساسی باشند، تدین به دین
مبین اسلام کفایت می‌کند.

۲- ...

■ توضیح اعمال تذکر

مطابق حکم تبصره‌ی سابق بند (۱)، تنها در صورتی که «کلیه طرفین دعوی» از اقلیت‌های
مذهبی بودند، لازم نبود که عضو شورا معتقد به مذهب رسمی کشور باشد. اما عبارت «کلیه
طرفین» از نظر معنایی صحیح نبود؛ چرا که دعوی متشکل از «طرفین» یا «اطراف» دعوی
است. اکنون تذکر پیشین شورا در این خصوص عیناً اعمال شده است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۶)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۱-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، در عنوان فصل دوم
واژه «شوراها» به عبارت «دادگاه صلح و شوراها» اصلاح می‌شود.]
[ماده (۱۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

صلاحیت‌های دادگاه صلح به شرح زیر است:

۱- دعاوی مالی تا نصاب یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال؛

تبصره- رئیس قوه قضائیه می‌تواند نصاب مذکور در این بند را هر سه سال یک‌بار با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعدیل کند.

۲- دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق؛

۳- دعاوی راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (۱) این ماده در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نباشد؛

۴- کلیه دعاوی و درخواست‌های مربوط به تخلیه عین مستأجره و تعدیل اجاره‌بها بجز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه؛

۵- اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوا رسیدگی کرده باشد؛

۶- حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن؛

۷- تأمین دلیل؛

۸- تقاضای سازش موضوع ماده (۱۸۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱؛^۲

۱. ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۹- دادگاه ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه، اطفال و حمل را معین و همچنین اجرت‌المثل ایام زوجیت طرفین مطابق تبصره ماده (۳۳۶) قانون مدنی تعیین و در مورد چگونگی حضانت و نگهداری اطفال و نحوه پرداخت هزینه‌های حضانت و نگهداری تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. همچنین دادگاه باید با توجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، ترتیب، زمان و مکان ملاقات وی با پدر و مادر و سایر بستگان را تعیین کند. ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است. طلاق در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیط محکوم‌به نیز ثبت می‌شود. در هر حال، هرگاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد می‌تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند.»

۲. ماده (۱۸۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۸۶- هرکس می‌تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین به‌طور کتبی درخواست نماید که طرف او را برای سازش دعوت کند.»

- ۹- جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرایم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی؛
- ۱۰- جرایم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت؛
- ۱۱- دعاوی اصلاح شناسنامه، استرداد شناسنامه، اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی، الزام به اخذ پایان کار، اثبات رشد، الزام به صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام.
- تبصره ۱- به کلیه جرایم مذکور در این ماده مستقیماً و بدون نیاز به کیفرخواست در دادگاه صلح رسیدگی می‌شود.
- تبصره ۲- قوه قضائیه می‌تواند برای دادگاه صلح علاوه بر قضات شاغل از قضات بازنشسته نیز استفاده کند.
- تبصره ۳- دادگاه صلح با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل رسمیت می‌یابد. دادگاه صلح جز در موارد فوری چنانچه حصول سازش به تراضی طرفین امکان‌پذیر باشد، ابتدا پرونده را برای صلح و سازش به عضو یا اعضای شورا که در دادگاه مستقر می‌باشند یا شعبه شورای حل اختلاف یا میانجی‌گری ارجاع می‌دهد. چنانچه حداکثر ظرف دو ماه موضوع منتهی به سازش شود، مراتب صورت جلسه و جهت اتخاذ تصمیم به قاضی دادگاه صلح اعلام می‌شود تا طبق مقررات اقدام کند. در صورت عدم حصول سازش، قاضی دادگاه صلح مطابق قانون، به موضوع رسیدگی کرده و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.
- تبصره ۴- دادگاه صلح می‌تواند در ساعات غیراداری و یا در روزهای تعطیل نیز به دعاوی رسیدگی نماید و استقرار آن در محل شورای حل اختلاف بلامانع است.
- تبصره ۵- در صورت حدوث اختلاف بین دادگاه‌های صلح و همچنین سایر مراجع قضایی و غیر قضایی به ترتیب زیر اقدام می‌شود:
- الف- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضایی شهرستان‌های یک استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح با دادسراها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضایی یک استان، حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر آن استان است.
- ب- در مورد دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضایی دو استان و

نیز اختلاف بین دادگاه صلح و دادرها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضایی دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که ابتدا به صلاحیت آن اظهار نظر شده است.

پ- در مواردی که دادگاه صلح به صلاحیت مراجع غیرقضایی، از خود نفی صلاحیت کند، پرونده برای تعیین صلاحیت به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌شود، تشخیص آن مرجع لازم‌الاتباع است.

تبصره ۶- آرای دادگاه صلح، قطعی است مگر در موارد زیر که قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است:

الف- دعاوی موضوع بند (۱) این ماده در صورتی که خواسته بیشتر از نصف نصاب مذکور در آن بند باشد.

ب- موارد موضوع بند (۹) این ماده نسبت به دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آنها بیش از یک‌دهم دیه کامل یا معادل آن باشد.

پ- موارد مذکور در بندهای (۲)، (۳) و (۴) این ماده؛

ت- موارد موضوع بند (۵) این ماده مشروط به اینکه اصل دعوا قابل اعتراض باشد.

ث- جنبه عمومی جرایم غیر عمدی موضوع بند (۹) در صورتی که مجازات قانونی آن درجه شش یا بیشتر باشد.

ج- جرایم عمدی تعزیری که مجازات قانونی آنها حبس درجه هفت باشد.

▪ دیدگاه مغایرت

اطلاق حکم ماده (۱۱) در مرحله‌ی نخست مبنی بر الزام اصحاب دعاوی در کلیه‌ی پرونده‌های مربوط به اموال منقول تا نصاب پانصد میلیون ریال به مراجعه به شورا‌های حل اختلاف، از سوی شورای نگهبان مغایر با موازین شرعی و اصول (۳۴)، (۶۱)، (۱۵۶) و (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. قانون‌گذار در مرحله‌ی دوم در راستای رفع ایراد پیشین، تنها نصاب دعاوی مذکور را از پانصد میلیون ریال به یک میلیارد ریال اصلاح کرد و در حکم ماده (۱۱) سابق تغییر ماهوی نداد. در نتیجه ماده (۱۱) همچنان مغایر با شرع و اصول مذکور قانون اساسی شناخته شد. اکنون ماده (۱۱) مصوبه به کلی تغییر کرده است و با تشکیل دادگاه صلح (با حضور قاضی دادگستری)، کلیه‌ی وظایف قضایی شورا‌های حل اختلاف به دادگاه صلح منتقل شده است و وظایف شورا به ایجاد صلح و سازش میان اصحاب دعوا یا

شکایت منحصر شده است. بنابراین اشکال سابق شورا نسبت به کلیت ماده (۱۱) با توجه به اصلاح مذکور رفع شده است. البته حکم تبصره (۳) جدید ماده (۱۱) همچنان واجد اشکال سابق شورا است؛ توضیح اینکه مطابق حکم این ماده دادگاه صلح جز در موارد فوری، «چنانچه حصول سازش به تراضی طرفین امکان‌پذیر باشد»، ابتدا پرونده را برای صلح و سازش به عضو یا اعضای شورا که در دادگاه مستقر می‌باشند یا شعبه شورای حل اختلاف یا میانجی‌گری ارجاع می‌دهد. اطلاق حکم مذکور از این حیث که همچنان ارجاع پرونده از سوی قاضی دادگاه صلح به نهاد دیگری جهت ایجاد صلح و سازش را «بدون تراضی طرفین» تجویز کرده است، مغایر با موازین شرعی و اصول (۳۴)، (۶۱)، (۱۵۶) و (۱۵۸) قانون اساسی است. بنابراین با وجود اینکه اشکال سابق شورا نسبت به کلیت ماده (۱۱) مرتفع شده است، همچنان تبصره (۳) واجد اشکال سابق است.

■ دیدگاه ابهام

الف) به موجب حکم بند (۱۱) اصلاحی ماده‌ی حاضر، دعاوی «اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی» در صلاحیت دادگاه صلح قرار گرفته است. اما با توجه به اینکه این قبیل دعاوی طیف گسترده‌ای دارد و در مواردی ممکن است درخواست اصلاح مدرک تحصیلی، ناشی از اثبات قصور یا تقصیر یک مقام دولتی (برای مثال کارمند وزارت علوم یا آموزش و پرورش) باشد که در این صورت در صلاحیت دیوان عدالت اداری خواهد بود و در مواردی ممکن است صرفاً اصلاح شکل یا محتوای مدرک بدون توجه به نقض قانون مقامات مطرح باشد که موضوع در صلاحیت دادگاه‌های عادی است. از این‌رو روشن نیست کدام‌یک از دعاوی «اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی» در صلاحیت دیوان عدالت اداری و کدام‌یک در صلاحیت دادگاه صلح است. بنابراین عبارت «اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی» در بند (۱۱) موجد ابهام است. چه اینکه وفق اصل (۱۷۳) قانون اساسی، رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران یا واحدهای دولتی، در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

ب) مطابق حکم تبصره (۲) این ماده، قوه‌ی قضائیه مجاز است برای دادگاه صلح علاوه بر قضات شاغل از «قضات بازنشسته» نیز استفاده کند. حکم فوق از دو حیثیت دارای ابهام است؛ اولاً

روشن نیست رابطه‌ی استخدامی «قضات بازنشسته» شاغل در دادگاه صلح با قوه‌ی قضائیه چگونه خواهد بود. برای مثال این قضات به موجب قرارداد جدیدی مجدداً دعوت به کار می‌شوند یا مقصود آن است قضاتی که شرایط بازنشستگی را دارا هستند، با همان شرایط و حقوق پیشین و بدون قرارداد جدید در دادگاه‌های صلح ادامه‌ی فعالیت دهند. ثانیاً شرایط قانونی لازم برای قضات بازنشسته‌ی مذکور نیز روشن نیست. برای مثال ممکن است یک قاضی بازنشسته پس از بازنشستگی و اخذ پروانه‌ی وکالت، مشغول انجام مشاوره یا وکالت در پرونده‌های مختلف باشد و یا بعضی از شرایط لازم برای تصدی سمت قضا را از دست داده باشد و حضور چنین شخصی در دادگاه صلح مورد پذیرش نیست. بنابراین حکم تبصره (۲) از دو جهت دارای ابهام است.

ج) به موجب حکم بند (ب) تبصره (۵) ماده‌ی مورد بررسی، در مورد اختلاف در صلاحیت دادگاه‌های صلح واقع در حوزه‌های قضایی دو استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح و دادرها یا دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضایی دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که «ابتدا به صلاحیت آن اظهار نظر شده است». عبارت «ابتدا به صلاحیت آن اظهار نظر شده است» در این مقرر معنای روشنی را به ذهن متبادر نمی‌کند و حکم بند (ب) از این منظر واجد ابهام است. چه بسا مقصود قانون‌گذار اشاره به موضوع «سبق رسیدگی» در موضوع حل اختلاف بوده است (به این معنا که حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که ابتدا پرونده در محاکم آن استان مورد رسیدگی قرار گرفته است) که لازم است عبارت‌پردازی این بند اصلاح شود تا معنای آن کاملاً روشن باشد.

▪ نظر شورای نگهبان

۲- در ماده (۱۱)؛

۲-۱- بند (۱۱)، در خصوص «اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی»، از این جهت که این امر در چه مواردی در صلاحیت دیوان عدالت اداری و در چه مواردی در صلاحیت دادگاه صلح موضوع این ماده است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

۲-۲- تبصره (۲)، از جهت وضعیت رابطه استخدامی و شرایط قضات بازنشسته مورد

استفاده در دادگاه های صلح، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
۳-۲- علی‌رغم اصلاح به عمل آمده در تبصره (۳)، ایراد مذکور در بند (۱-۶) نظر شورا، کماکان به قوت خود باقی است.
۴-۲- در جزء (ب) تبصره (۵)، منظور از عبارت «ابتدا به صلاحیت آن اظهار نظر شده است» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۱۳-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، ماده (۱۳) به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های آن حذف می‌شود:]
از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون به دعاوی و جرایم مندرج در این قانون در دادگاه صلح رسیدگی می‌شود و شورا صرفاً در امر صلح و سازش مطابق احکام این قانون اقدام می‌کند.

▪ دیدگاه عدم مغایرت

شورا ماده (۱۳) پیشین مصوبه را واجد ابهام یا مغایرت ندانسته بود، اما اصلاح صورت گرفته در این ماده با توجه به تغییرات ماده (۱۱) مصوبه بوده است. همچنین حکم ماده (۱۳) مبنی بر تقیید صلاحیت شوراهای حل اختلاف به تلاش برای ایجاد صلح و سازش، مغایرتی با قانون اساسی و شرع ندارد.

▪ نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، مواد (۱۵)، (۱۶)، (۱۷) و (۱۹) حذف می‌شود.]

▪ دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان در خصوص مواد (۱۵)، (۱۶)، (۱۷) و (۱۹) سابق مصوبه، اشکال یا ابهامی را

مطرح نکرده بود. حال قانون‌گذار این مواد را متناسب با اصلاحات مذکور در ماده (۱۱) حذف کرده است و حذف مواد پیش‌گفته نیز مصوبه را با ابهام یا اشکالی مواجه نخواهد کرد.

▪ نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف مواد (۱۵)، (۱۶)، (۱۷) و (۱۹) بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

فصل سوم - ترتیب رسیدگی در شورا

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، به ابتدای ماده (۲۰) عبارت «در موارد مقرر در ماده (۱۲) این قانون» اضافه می‌شود].
ماده ۲۰ - در موارد مقرر در ماده (۱۲) این قانون^۱ شروع رسیدگی در شورا با درخواست کتبی یا شفاهی به عمل می‌آید. درخواست شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای خواهان یا متقاضی می‌رسد.

▪ دیدگاه عدم مغایرت

تغییرات صورت گرفته در این ماده در راستای رفع ابهام یا ایراد شورا نبوده است و تنها متناسب با تغییرات صورت گرفته در ماده (۱۱)، ماده (۲۰) نیز اصلاح شده است. بنابراین حکم ماده (۲۰) اصلاحی مبنی بر رسیدگی شورای حل اختلاف به اختلافات مبتنی بر

۱. ماده (۱۲) مصوبه‌ی پیش‌رو: «ماده ۱۲- شوراها در موارد زیر حسب مورد با درخواست خواهان یا مدعی خصوصی یا شاکی برای صلح و سازش اقدام می‌نمایند:

۱- کلیه امور مدنی و حقوقی.

۲- جنبه خصوصی جرایم غیرقابل گذشت.

۳- کلیه جرایم قابل گذشت

تبصره- در صورتی که رسیدگی شورا با درخواست یکی از طرفین صورت پذیرد و طرف دیگر تا پایان جلسه اول عدم تمایل خود را برای رسیدگی در شورا اعلام نماید، شورا درخواست را بایگانی و طرفین را به مرجع صالح راهنمایی می‌نماید.»

درخواست یکی از اصحاب دعوا یا شکایت، مغایرتی با قانون اساسی یا شرع ندارد.

■ توضیح تذکر

عنوان فصل سوم مصوبه مورد اصلاح قرار نگرفته است و همچنان عنوان «ترتیب رسیدگی در شورا» باقی مانده است. با توجه به تغییرات صورت گرفته در ماده (۱۱) مصوبه و اضافه شدن «دادگاه صلح» به احکام آن، شایسته است عنوان فصل به «ترتیب رسیدگی در دادگاه صلح و شورا» اصلاح شود. کمااینکه در ماده (۲۱) اصلاحی و تبصره‌ی الحاقی به آن که ذیل فصل سوم است، به ترتیبات رسیدگی «دادگاه صلح» و «شوراهای حل اختلاف» اشاره شده است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۲۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.
تذکر: ۲- با توجه به اصلاحات به عمل آمده، عنوان «فصل سوم» مصوبه نیز اصلاح شود.

ماده ۲۱-

[ماده (۲۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

در مواردی که در این قانون حکمی تعیین نشده است، آیین دادرسی و ترتیبات رسیدگی و صدور رأی و اجرای احکام دادگاه صلح، حسب مورد تابع قوانین و مقررات حاکم بر دادگاه‌های حقوقی و کیفری است.
تبصره- ترتیب اقدامات سازشی در شوراهای حل اختلاف مطابق آیین‌نامه‌ای انجام می‌شود که ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط معاونت حقوق قوه قضائیه با همکاری وزارت دادگستری و مرکز تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

■ دیدگاه عدم ابهام

حکم ماده (۲۱) سابق و تبصره‌های (۱) و (۲) پیشین آن، در مرحله‌ی اول و دوم مورد ابهام شورا واقع شده بود. اکنون حکم ماده (۲۱) اصلاحی به کلی تغییر کرده است و در صدر این ماده، آیین

دادرسی و ترتیبات رسیدگی دادگاه صلح را تابع قوانین و مقررات عام (حسب مورد قانون آیین دادرسی مدنی یا کیفری) قرار داده است و به موجب تبصره‌ی آن، ترتیب اقدامات سازشی نیز به آیین‌نامه‌ی مصوب رئیس قوه‌ی قضائیه سپرده شده است. بنابراین دو حکم مقرر شده در صدر ماده و تبصره‌ی آن، فاقد هرگونه ابهام است و ابهام پیشین شورا با تغییر کلی متن برطرف شده است.

▪ نظر شورای نگهبان

ماده (۲۱)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۳-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، ماده (۲۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

هزینه دادرسی در دادگاه‌های صلح حسب مورد مطابق هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است و هزینه رسیدگی شوراهای حل اختلاف در موارد موضوع ماده (۱۲) این قانون،^۱ در دعاوی کیفری و دعاوی حقوقی غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی هزینه رسیدگی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است.

▪ دیدگاه ابهام

منطبق بر حکم این مقرر، هزینه‌ی رسیدگی شوراهای حل اختلاف در موارد ایجاد صلح و سازش بین اصحاب دعوا یا شکایت، در شکایات کیفری و دعاوی حقوقی غیرمالی معادل هزینه

۱. ماده (۱۲) مصوبه‌ی حاضر: «ماده ۱۲- شوراها در موارد زیر حسب مورد با درخواست خواهان یا مدعی خصوصی یا شاکی برای صلح و سازش اقدام می‌نمایند:

۱- کلیه امور مدنی و حقوقی.

۲- جنبه خصوصی جرایم غیرقابل گذشت.

۳- کلیه جرایم قابل گذشت

تبصره- ...»

دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی هزینه رسیدگی معادل پنجاه درصد هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است. با توجه به اینکه در برخی از موارد، اصحاب دعوا یا شکایت ابتدا دادخواست یا شکایت خود را پس از پرداخت هزینه دادرسی قانونی نزد مراجع قضایی مطرح می‌کنند و سپس با تراضی طرفین، پرونده از سوی دادگاه به شورای حل اختلاف ارجاع می‌شود، روشن نیست در این قبیل موارد نیز اصحاب دعوا یا شکایت ملزم به پرداخت هزینه دادرسی هستند یا خیر و ماده (۲۳) از این حیثیت دارای ابهام است. چه اینکه در این قبیل موارد هزینه دادرسی قانونی، یکبار از طرفین اخذ شده است و پرداخت هزینه دادرسی مجدد بابت ارجاع پرونده به شورای حل اختلاف مصادق اجحاف بر مردم خواهد بود.

■ نظر شورای نگهبان

۳- ماده (۲۳)، از این جهت که در مواردی که ارجاع به شورای حل اختلاف توسط دادگاه صورت می‌گیرد نیز هزینه رسیدگی مذکور دریافت می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۲۴-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، در ماده (۲۴) عبارت «در اجرای مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۴) این قانون» به عبارت «در اجرای مواد (۱۲) و (۱۴) این قانون» اصلاح می‌شود.]
در اجرای مواد (۱۲) و (۱۴) این قانون،^۱ شورا پس از دعوت خواننده

۱. ماده (۱۴) مصوبه‌ی حاضر: «ماده ۱۴- در کلیه جرایم قابل گذشت (به استثنای مواردی که متهم متواری یا مجهول‌المکان است)، اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی و حقوقی که به‌طور مستقیم در مرجع قضایی طرح می‌شود، مقام رسیدگی‌کننده و اجراء‌کننده و همچنین مقام ارجاع قبل از ارجاع پرونده به شعبه و ثبت آن، پس از اتخاذ تصمیم درخصوص امور فوری، می‌توانند حسب مورد با توجه به کیفیت موضوع و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش و با لحاظ ترتیباتی جهت حفظ ادله جرم، جلوگیری از فرار متهم و

یا مشتکی عنه نسبت به تشکیل جلسه اقدام و در صورت حصول سازش میان طرفین، مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌کند و پرونده در شورا بایگانی و در موارد ارجاع پرونده از مرجع قضایی، نتیجه به همراه تصویری از گزارش اصلاحی به آن مرجع ارسال می‌شود تا مرجع مزبور نسبت به مختومه کردن پرونده با دستور اداری اقدام کند.

تبصره ۱- ...

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، تبصره (۴) ماده (۲۴) حذف می‌شود.]

تبصره ۵- ...

▪ دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان ماده (۲۴) سابق را واجد ابهام یا مغایر با شرع یا قانون اساسی ندانسته بود. حال قانون‌گذار متناسب با اصلاح حکم ماده (۱۱) مبنی بر صلاحیت‌های دادگاه صلح، صدر ماده (۲۴) که در خصوص شوراهای حل اختلاف است را اصلاح کرده است و ماده (۱۱) را از آن حذف کرده است. همچنین حذف تبصره (۴) این ماده نیز در راستای ابهام یا ایراد شورا نبوده است.

▪ نظر شورای نگهبان

ماده (۲۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۵-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، در ماده (۲۵) عبارت «در اجرای مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۴) این قانون» به عبارت «در اجرای مواد (۱۲) و (۱۴) این قانون» اصلاح می‌شود.]

→

رعایت حقوق شاکی، نظم عمومی و در صورت ضرورت انجام تحقیقات لازم، پرونده را با ذکر دلیل به شورا ارجاع نمایند.

تبصره- ...»

در اجرای مواد (۱۲) و (۱۴) این قانون، در صورتی که شورا با برگزاری حداقل دو جلسه ظرف مدت سه ماه موفق به ایجاد صلح و سازش بین طرفین نشود، پرونده در شورا بایگانی و در صورت درخواست خواهان یا مدعی خصوصی به مرجع قضایی صالح ارسال می‌گردد. چنانچه پرونده از مراجع قضایی ارجاع شده باشد، گزارش اقدامات و نتیجه به آن مرجع ارسال می‌شود.

■ دیدگاه عدم مغایرت

ماده (۲۵) پیشین مورد ابهام یا ایراد شورا قرار نگرفته بود. اکنون مجلس شورای اسلامی با توجه به اصلاح ماده (۱۱) در مورد دادگاه صلح، حکم صدر ماده (۲۵) که منحصراً در خصوص شوراهای حل اختلاف است را اصلاح کرده است و ماده (۱۱) را از آن حذف کرده است.

■ نظر شورای نگهبان

ماده (۲۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۷ -

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، به ابتدای ماده (۲۷) عبارت «در اجرای مواد (۱۲) و (۱۴) این قانون» اضافه و عبارت «تحقیق محلی، معاینه محل و تأمین دلیل» به عبارت «تحقیق محلی و معاینه محل» اصلاح می‌شود].
در اجرای مواد (۱۲) و (۱۴) این قانون رئیس شورا شخصاً یا از طریق یکی از اعضاء، علاوه بر رسیدگی به دلایل طرفین، می‌تواند مطابق ضوابط قانونی تحقیق محلی و معاینه محل را انجام دهد.

■ دیدگاه عدم مغایرت

ماده (۲۷) سابق از سوی شورا دارای اشکال یا ابهام شناخته نشد. حال قانون‌گذار متناسب با تغییرات صورت گرفته در ماده (۱۱) مصوبه و ایجاد دادگاه صلح (با صلاحیت‌هایی همچون تأمین دلیل)، این ماده را که در خصوص شوراهای حل اختلاف است نیز مورد

اصلاح قرار داده است و عبارت «تأمین دلیل» را از آن حذف کرده است.

▪ نظر شورای نگهبان

ماده (۲۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۸-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، ماده (۲۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]
هرگاه در تنظیم یا نوشتن گزارش اصلاحی و دیگر تصمیمات شورا سهو قلم رخ بدهد مانند از قلم افتادن یا اضافه شدن کلمه‌ای و یا اشتباه در محاسبه صورت گرفته باشد، تصحیح گزارش یا تصمیم مذکور رأساً یا با درخواست ذی‌نفع، توسط دادگاه صلح انجام می‌شود. گزارش یا تصمیم تصحیح شده به طرفین ابلاغ می‌شود. تسلیم رونوشت گزارش یا تصمیم اصلی بدون الصاق گزارش یا تصمیم تصحیح شده ممنوع است.

▪ دیدگاه عدم مغایرت

ماده (۲۸) سابق از سوی شورا دارای ابهام یا اشکال شناخته نشد. اما اکنون قانون‌گذار متناسب با تغییرات ماده (۱۱) مصوبه و اضافه شدن دادگاه صلح به ترکیب آن، وظیفه‌ی تصحیح گزارش‌ها یا تصمیمات شوراهای حل اختلاف را به دادگاه صلح واگذار کرده است. این حکم مغایرتی با قانون اساسی و شرع ندارد.

▪ نظر شورای نگهبان

ماده (۲۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۹-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، در ماده (۲۹) عبارت «دادگاه عمومی» به «دادگاه صلح» و در تبصره (۱) عبارت «پس از تأیید»

رئیس حوزه قضایی مربوط، اجرای گزارش اصلاحی متوقف و موضوع جهت رسیدگی به دادگاه عمومی ارجاع می‌گردد.» به عبارت «با دستور دادگاه صلح اجرای گزارش اصلاحی متوقف و در همان دادگاه به اعتراض رسیدگی می‌شود.» اصلاح و تبصره (۲) این ماده حذف می‌شود. [اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا و نیز اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی و تصمیم شورا قابل طرح در دادگاه صلح همان حوزه قضایی است و چنانچه تصمیم یا گزارش اصلاحی توسط مرجع رسیدگی به اعتراض نقض شود، مرجع مذکور موظف است رأساً به پرونده رسیدگی و رأی صادر کند. تبصره ۱- گزارش اصلاحی قطعی است. در صورتی که یکی از طرفین به دلیل عدم تطابق گزارش اصلاحی با توافق صورت گرفته، به گزارش اصلاحی اعتراض داشته باشد، با دستور دادگاه صلح اجرای گزارش اصلاحی متوقف و در همان دادگاه به اعتراض رسیدگی می‌شود.]

▪ دیدگاه عدم مغایرت

ماده (۲۹) سابق و تبصره (۱) پیشین آن، مورد اشکال یا ابهام شورای نگهبان قرار نگرفته بود. تغییرات صورت گرفته در این مقررۀ متناسب با ایجاد دادگاه صلح بوده است و مغایرتی نیز با قانون اساسی یا شرع ندارد.

▪ نظر شورای نگهبان

ماده (۲۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد. تذکر: ۳- در ماده (۲۹)، با توجه به حذف تبصره‌های (۲) و (۳) این ماده در دو مرحله اخیر، از این جهت که صرفاً در حال حاضر این ماده فقط یک تبصره دارد، عبارت «تبصره ۱» به عبارت «تبصره» اصلاح گردد.

ماده ۳۰-

[ماده (۳۰) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف می‌شود:]

گزارش اصلاحی موضوع ماده (۲۴) این قانون پس از تأیید قاضی دادگاه صلح مطابق قوانین و مقررات جاری کشور اجرا می‌گردد.

▪ دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان در مرحله‌ی قبل، تنها تبصره (۱) سابق این ماده را دارای ایراد دانسته بود و صدر ماده (۳۰) پیشین را مغایر با شرع یا قانون اساسی تلقی نکرده بود. حال قانون‌گذار در راستای تأمین نظر شورا، تبصره (۱) این ماده را به کلی حذف کرده است و به این ترتیب اشکال پیشین شورا بلاموضوع شده است. ضمناً تغییرات صورت گرفته در صدر ماده (۳۰)، متناسب با تغییرات ماده (۱۱) و ایجاد دادگاه صلح بوده است که اجرای گزارش اصلاحی را منوط به تأیید قاضی دادگاه صلح کرده است و مغایرتی با شرع مقدس یا اصول قانون اساسی ندارد.

▪ نظر شورای نگهبان

ماده (۳۰)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

* * *

ماده ۳۲-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۵ مکرر)، در ماده (۳۲) و تبصره آن و مواد (۳۴)، (۳۵)، (۳۶)، (۳۷) و (۳۹) عبارت «رابطه استخدامی با شورا» به «رابطه استخدامی» اصلاح می‌شود.]
چنانچه اعضا، کارکنان و نیروهای اداری شورا که رابطه استخدامی ندارند، مرتکب تخلف شوند، به شکایت شاکی، گزارش رئیس شورای حل اختلاف در حوزه قضایی مربوط، واحد بازرسی یا واحد حفاظت و اطلاعات، موضوع در هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات مطرح می‌شود.
تبصره- به تخلفات کارکنان و نیروهای اداری شورا که رابطه استخدامی دارند، مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ رسیدگی می‌شود.

ماده ۳۳- ...

ماده ۳۴- ارتکاب موارد زیر توسط اعضا، کارکنان و نیروهای اداری

شورا که رابطه استخدامی ندارند، تخلف محسوب می‌شود:

۱- ...

ماده ۳۵- چنانچه هیئت رسیدگی کننده بدوی پس از دعوت از عضو یا کارمند یا نیروی اداری شورا که رابطه استخدامی ندارد و شنیدن اظهارات و دفاعیات، تخلف وی را احراز نماید به تناسب عمل ارتكابی در مورد ارتكاب به تخلفات پیش‌بینی شده در بندهای (۱) تا (۹) ماده (۳۴) این قانون برای بار اول و دوم مرتکب را به یکی از مجازات‌های بندهای (۱) تا (۳) این ماده و در مورد تخلفات پیش‌بینی شده در بندهای (۱۰) تا (۳۶) ماده (۳۴) این قانون و تکرار تخلفات موضوع بندهای (۱) تا (۹) ماده مذکور در بار سوم، مرتکب را به یکی از مجازات‌های پیش‌بینی شده در بندهای (۴) و یا (۵) این ماده به شرح زیر محکوم می‌کند:

۱- ...

ماده ۳۶- آرای صادر شده از هیئت بدوی در مورد مجازات‌های مقرر در بندهای (۱) تا (۳) ماده (۳۵) این قانون قطعی و در مورد مجازات‌های موضوع بندهای (۴) و (۵) ماده مذکور ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در هیئت تجدیدنظر رسیدگی کننده به تخلفات اعضاء، کارمندان و نیروهای اداری شورا که رابطه استخدامی ندارد، است. ماده ۳۷- هیئت تجدیدنظر رسیدگی کننده به تخلفات اعضاء، کارمندان و نیروهای اداری شورا که رابطه استخدامی ندارد، در مرکز تشکیل می‌شود؛ و مرکب از سه عضو اصلی شامل رئیس مرکز یا یکی از معاونان وی، یک قاضی دادگاه تجدیدنظر و یکی از اعضای شوراهای حل اختلاف با پیشنهاد رئیس مرکز می‌باشد که تمامی آنان با ابلاغ رئیس قوه قضائیه برای مدت سه سال منصوب می‌شوند و انتصاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده ۳۸- ...

ماده ۳۹- هرگاه تخلف عضو، کارمند و نیروی اداری شورا که رابطه استخدامی ندارد، عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین را نیز داشته باشد هیئت رسیدگی به تخلفات مکلف است مطابق این قانون به تخلف وی رسیدگی و رأی قانونی، صادر و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به

مرجع قضایی صالح ارسال کند. هرگونه تصمیم مراجع قضایی مانع از اجرای مجازات‌های اداری موضوع این قانون نخواهد بود. چنانچه تصمیم مراجع قضایی مبنی بر برائت باشد، هیئت رسیدگی به تخلفات مجدداً به موضوع رسیدگی و تصمیم مناسب اتخاذ می‌کند.

▪ دیدگاه عدم مغایرت

مواد (۳۲)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۶)، (۳۷) و (۳۹) مصوبه‌ی سابق، مورد اشکال یا ابهام شورا قرار نگرفته بود. اما قانون‌گذار با توجه به اصلاحات صورت گرفته در ماده (۵ مکرر) و تکلیف به استخدام و تعیین تکلیف کارکنان فعلی شورا‌های حل اختلاف و تصریح در تبصره (۵) آن به عدم وجود هرگونه رابطه‌ی استخدامی اعضای جدید با شورای حل اختلاف، احکام مواد مذکور را که در خصوص برخورد با تخلفات اداری اعضای شورا بوده است را مورد اصلاح قرار داده است و عبارت «رابطه استخدامی با شورا» را به «رابطه استخدامی» تغییر داده است تا روشن باشد از این به بعد اعضای شورا یا «مستخدم قوه‌ی قضائیه» محسوب می‌شوند یا به صورت «افتخاری» حاضر هستند و هیچ عضو نخواهد بود که «با شورا رابطه استخدامی» داشته باشد. تغییرات صورت گرفته در احکام مزبور نیز مغایرتی با موازین شرع یا قانون اساسی ندارد.

▪ نظر شورای نگهبان

مواد (۳۲)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۶)، (۳۷) و (۳۹) مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴۰-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۱۱)، ماده (۴۰) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

تا زمان تشکیل دادگاه‌های صلح، به دعاوی و شکایات مطابق قوانین و مقررات جاری کشور از جمله قانون شورا‌های حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی رسیدگی می‌شود.

▪ دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان در مرحله‌ی پیشین، ماده (۴۰) سابق را مغایر با شرع یا قانون اساسی نشناخته بود، اما قانون‌گذار متناسب با تغییرات مصوبه و پیش‌بینی دادگاه صلح در آن، حکم ماده (۴۰) را به کلی تغییر داده است. گفتنی است حکم جدید این مقرر نیز مغایرتی با موازین اسلامی یا قانون اساسی ندارد.

▪ نظر شورای نگهبان

ماده (۴۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴۱-

[با توجه به اصلاح به عمل آمده در ماده (۵ مکرر)، ماده (۴۱) حذف می‌شود.]

▪ دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان در مرحله‌ی قبل، ماده (۴۱) را مغایر با شرع یا قانون اساسی اعلام نکرده بود. اما با توجه به اینکه موضوع مشابه ماده (۴۱) سابق در خصوص عضویت افتخاری در شوراهای حل اختلاف در ماده (۵ مکرر) پیش‌بینی شده است، قانون‌گذار ماده (۴۱) را از مصوبه حذف کرده است.

▪ نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۴۱)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله‌العالی

«... شما استدلال دارید، اما این استدلال برای مجلس، گاهی معلوم نیست، گاهی برای مجمع تشخیص هم درست معلوم نیست، ... در حالی که خوب است در متن آن حکم اشاره‌ای به استدلال بشود و در یک محل جداگانه آن استدلال به تفصیل نوشته بشود.»

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۷۹/۴/۲۸)

تهران | خیابان شهید بهشتی
خیابان سرافراز | کوچه پنجم | پلاک ۱۱

www.ccri.ac.ir

کد پستی ۱۵۹۷۸۵۶۱۱۳
دبیرخانه ۰۲۱۸۸۵۳۳۴۲۲



پژوهشکده شورای نگهبان